

از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور

«اتنوموزیکولوژی»

از هرمز فرهنگ

در قرن نوزدهم بایدایش نفوذ سیاسی و اقتصادی کشورهای باختری اروپا در آسیا و آفریقا رفت و آمد بیشتری بین مردم شرق و غرب احداث گردید. بسیاری از دانشمندان اروپائی کشورهای مشرق زمین که زیر نفوذ کشور متبوع خودشان قرار گرفته بودند سفر کردند و روی شعب مختلف تمدن آن ممالک مطالعه نمودند. موسیقی شرقی از جمله مطالبی بود که توجه دانشمندان غربی را بخود جلب نمود. در کتبی که درباره ممالک آسیائی در اروپا منتشر میشد اغلب فصلی در باره موسیقی کشور مورد بحث دیده میشد. بتدریج توجه موسیقی شناسان غربی نسبت بانواع موسیقی شرقی معطوف و برای اولین بار کتبی تنها در بحث موسیقی ممالک دور دست منتشر گردید.

با پیدایش موسیقیدانان روس در صحنه موسیقی اروپا توجه بیشتری نسبت به موسیقی شرقی معمول شد. بعلمت نزدیکی جغرافیائی و نژادی روسیه با آسیا آهنگ سازان روس طبیعتاً تحت تأثیر نغمات شرقی قرار گرفتند. گلینکا (Glinka) موسورگسکی (Moussorgsky)، برودین (Borodine) و ریمسکی کرساکف (Rimsky Korsakov) با آنکه روی متد اروپائی آهنگ میساختند اقتباساتی از آهنگ‌های شرقی می نمودند که با آثارشان رنگ و جلوه خاصی داده است. تأثیر این آهنگسازان در موسیقی دانان سایر کشورهای اروپا زیاد بود. در اواخر قرن نوزدهم دبوسی (Debussy) بوجود آورنده مکتب امپرسیونیست در فرانسه تحت تأثیر این نوع موسیقی آمیخته با شرقی قرار گرفت. مخصوصاً نفوذ موسورگسکی که مبتکرترین آهنگ ساز روسی قرن گذشته است در او زیاد بود. بعلاوه شنیدن چند کنسرت از نوازندگان چاوه‌ای و هندی که برای اولین بار در اروپا انجام شده بود در او بسیار مؤثر واقع شد.

باین ترتیب موسیقی شناسان غربی روز بروز بیشتر متوجه اهمیت و مقام موسیقی مشرق زمین گردیده‌اند. در اوایل قرن بیستم توجه نسبت باین موسیقی بمرحله‌ای رسید که چند تن موسیقی دان وقت خود را تماماً صرف مطالعه موسیقی شرقی نمودند. از جمله دکتر فن هورن باستل (Von Hornbaste) و دکتر کورت زاکس (Kurt Sachs) آلمانی مطالعات مفصلی روی موسیقی کشورهای جنوبی آسیا و آفریقا نمودند و نوشته‌های متعددی از ایشان بچاپ رسیده است. هنری جرج فارمر (Henry George Farmer) انگلیسی روی موسیقی اعراب مطالعه نمود و یاپ کونست (Jaap Kunst) هلندی درباره موسیقی جزایر اندونزی نوشته‌های معتبری دارد.

اکنون در ایالات متحده امریکا شاید بیش از هر جای دیگر علاقه مندانی روی موسیقی ممالک دوردست مشغول مطالعه و تحصیل هستند. بعلاوه عده‌ای از موسیقی شناسان اروپا نیز پس از جنگ بین الملل دوم مرکز فعالیت‌های علمی خود را در امریکا قرار داده‌اند. از جمله کارل انگل (Karl Engle) بود که نوشته‌های متعددی در باره موسیقی مشرق زمین دارد و چند سال پیش درگذشت. کورت زاکس نیز در امریکا مشغول تدریس است. از جمله

موسیقی شناسان جوان امریکا که به تحصیل موسیقی شرقی همت گماشته‌اند چارلی سیگر (Charlie Seager)، کالن مک‌فی (Collen Mc Fee) و منتل هود (Mantle Hood) میباشند. مک‌فی مطالعاتی روی موسیقی «بالی» نموده و چندسالی در آنجا اقامت داشته‌است. منتل هود روی موسیقی «جاوه» تحصیل نموده و اکنون بطور موقت در آن جزیره اقامت دارد.



از ابتدای امر اشکالی که موسیقی شناسان غربی با آن روبرو شدند این بود که موسیقی شرقی را تحت چه عنوانی میتوان معرفی کرد. در نوشته‌های اولی تمایل بر این بود که موسیقی شرقی را در طبقه موسیقی عامیانه یا محلی (Folk Music) بیاورند. دلیل این طبقه این بود که موسیقی شرقی معمولاً مثل موسیقی عامیانه غربی بین مردم تولید شده و سازنده معینی ندارد. بعلاوه مانند موسیقی عامیانه غربی از لحاظ ساختمان هارمونیک فقیر و ساده میباشد. اما در هیچیک از کشورهای مشرق زمین تنها یک نوع موسیقی دیده نمیشود و تمام انواع موسیقی یک کشور را نمیتوان تحت طبقه بندی موسیقی عامیانه معرفی نمود. موسیقی محلی یا روستائی شرقی با معنای موسیقی غربی مطابقت دارد در صورتیکه موسیقی هنری یا باستانی کشورهای شرقی در ترکیب و کیفیت با موسیقی روستائی مجزا بوده و با مفهوم موسیقی عامیانه مطابقت ندارد.

بتدریج استعمال کلمه کلاسیک برای نوع دوم یعنی موسیقی هنری یا درباری شرقی موسوم گردید و موسیقی محلی شرقی که طبعاً دارای اهمیت علمی و هنری کمتریست از بحث خارج شد. لغت کلاسیک را میتوان باثری اطلاق نمود که دارای فرم روشن و منطقی باشد و گذشت زمان از میزان ارزش هنری و علمیش کم نکند و زیباییش جاویدان باشد. این مفهوم با موسیقی قدیمی یا درباری کشورهای مشرق زمین تطبیق میکند ولی بواسطه معنایی دیگری که کلمه کلاسیک پیدا نموده استعمال این لغت نیز در تشریح موسیقی شرقی برای کسانی که از چگونگیش مطلع نیستند ایجاد سوء تفاهم میکند. بطوریکه میدانیم برای تمایز بین موسیقی جدی غربی و موسیقی تفریحی

۱ - در بعضی ممالک مانند چین و ژاپن این موسیقی را موسیقی درباری مینامند.



بطور کلی بنوع اول کلاسیک گفته میشود. همچنین موسیقی نیمه دوم قرن هجدهم اروپا از لحاظ مخالفت فلسفی و ترکیبی آن با موسیقی دوره بعد (دوره رمانتیک) بنام موسیقی دوره کلاسیک مشهور شده است. این دو مفهوم متحول موسیقی کلاسیک در مورد موسیقی شرقی قابل استعمال نیست و چنانچه شخصی متوجه معنای اصلی کلاسیک نباشد در شناختن موسیقی شرقی از روی این عنوان گمراه خواهد شد.

کلمه موسیقی اتنیک (Ethnic Music) بجای موسیقی عامیانه (Folk Music) بتدریج ظاهر و مورد استفاده قرار گرفت. با آنکه مفهوم آن به عنوان قبلی بسیار نزدیک است و حاکی از موسیقی مردم میکند چون استعمال آن تازگی داشت و ایجاد سوء تفاهمی نمیتوانست بکند بیشتر مورد قبول قرار گرفت. در سپتامبر سال ۱۹۵۶ در جلسه عمومی انجمن موزیکولوژی امریکا (American Musicological Society) که در شهر فیلادلفیا تشکیل گردید رسماً لغت اتنوموزیکولوژی (Ethnomusicology) ۱ تصویب و از آن پس انواع موسیقی بشری که توسط سازنده معین و یا بسبب اروپائی ترکیب نشده باشد تحت این عنوان معرفی میشود. از این قرار اتنوموزیکولوژی شامل همه نوع موسیقی کشورهای شرقی و همچنین موسیقی محلی ممالک غربی میگردد. ۲.

باروشن شدن سابقه و مفهوم رشته اتنوموزیکولوژی متوجه میشویم که این رشته بمراتب از خود موزیکولوژی که تنها شامل موسیقی ترکیبی بسبب اروپائیت مفصل تراست. در اتنوموزیکولوژی تجزیه و بحث انواع موسیقی که در پیش مردم ملل مختلف بطور طبیعی و تدریجی بوجود آمده مورد مطالعه واقع میشود. انواع موسیقی بسیار مختلف نظیر «رون» خوانی فنلاند - ضربهای «شاتوسی موزامبیک» - «فلامنکوی» کولیهای اسپانیا -

---

۱ - در نوشته های قبلی اتنوموزیکولوژی با اینصورت (Ethno-musicology) نوشته میشد ولی مطابق تصمیم کنفرانس مذکور فوق از این پس يك کلمه سرهم خواهد بود.

۲ - طبعاً موسیقی که در این اواخر در کشورهای شرقی روی اصول غربی توسط اشخاص معین ساخته میشود مورد بحث رشته اتنوموزیکولوژی نخواهد بود.

دستگاههای ایرانی - آوازه‌های «هیل بیلی» امریکای شمالی - نمایشهای  
عروسکی ژاپن و ده‌ها نوع موسیقی دیگر تماماً تحت عنوان یک رشته اتنو-  
موزیکولوژی آورده شده است.

متأسفانه تدریس و تحصیل اتنوموزیکولوژی هنوز مرسوم نگردیده و  
سالها طول خواهد کشید تا مؤسسات علمی و فرهنگی دنیا بتوانند خود را برای  
تدریس این رشته بسیط مجهز نمایند. در دانشگاههای امریکا در چند سال  
اخیر توجه مخصوصی نسبت به اتنوموزیکولوژی معمول شده است. اکثر  
دانشگاههای بزرگ ایالات متحده در حال حاضر کلاسهای بمنظور بحث  
عمومی این رشته دائر نموده‌اند و استقبال دانشجویان امریکایی از این  
کلاسها خیلی قابل توجه بوده است. دانشگاه کالیفرنیا شعبه شهر لوس آنجلس  
در این رشته پیش قدم شده و پیشرفت بیشتری نموده است. این دانشگاه  
اولین مؤسسه فرهنگی امریکاست که دوره دکترای موسیقی با تخصص در  
اتنوموزیکولوژی را به برنامه خود اضافه نموده است. سه تن از پروفیسورهای  
این دانشگاه در این رشته تدریس میکنند. دانشکده آن دارای یک  
ارکستر «گاملانگ» جاوه‌ایست که تمام آلات آن از جاوه وارد شده ولی  
نوازندگان آن دانشجویان خود دانشگاه هستند. همچنین یک ارکستر «گاگاکو»  
ژاپنی نیز اخیراً تنظیم شده و عده‌ای از دانشجویان بفرآ گرفتن آلات مختلف  
این ارکستر مشغولند.

انتشار کتب، مقالات و صفحات گرامافن از موسیقی کشورهای مختلف و  
استقبال شایانی که از طرف مردم اروپا و امریکا از این انتشارات میشود خود  
دلیلی بر پی بردن مغربیان با اهمیت موسیقی شرقی است. همچنین مسافرت  
روز افزون موسیقی دانان و نوازندگان شرقی بمنظور دادن کنسرت با اروپا  
و امریکا در شناساندن موسیقی شرقی کمک کرده است. پس از جنگ بین الملل  
دوم هر ساله کنسرت‌هایی از طرف رامشگران «بالی» در کشورهای غربی اروپا  
و ایالات متحده امریکا برپا شده که بینهایت جلب توجه نموده است. نوازندگان  
از کشورهای مختلف افریقا دائماً برای شناساندن هنر موطن خویش با اروپا  
و امریکا میروند. از هندوستان نوازندگان مشهور از جمله سه تارزن<sup>۱</sup> درجه

۱ - سه تار هندی با آنکه ریشه‌اش از ایران بوده است امروز بصورتی کاملاً  
متفاوت درآمده است و آلتیست برآتب بزرگتر و مجهزتر از سه تار ایران.



اول آن کشور «راوی شانکار» مرتباً باروپا و امریکا سفر میکنند. در جشن‌های مختلف و بزرگ «موسیقی محلی» کشورهای اروپا و امریکا همه‌ساله آهنگ‌های محلی خود را برای آشنا ساختن سایرین به نثر ملی خود آورده و معرفی مینمایند.

باین ترتیب توجه میشود که شناختن موسیقی ملل مختلف امری عملی و طبیعی شده است و آشنائی با اتنوموزیکولوژی که بحث و درک این نوع موسیقی بطور علمی باشد برای هو موسیقی‌دان امروزی ضروریست. بتحقیق در آتیه با فراهم شدن وسایل مجهز تر و پرورش یافتن دانشمندانی که بتوانند در تقسیمات مختلف این رشته وسیع تدریس کنند کسب معلومات دقیق تر و جامع تری در باره موسیقی مردم جهان برای علاقمندان میسر خواهد بود.



اگر چه منظور از این مقاله بحث پیدایش - اهمیت و چگونگی اتنوموزیکولوژی بطور عمومی بود معیناً لازم بتذکر است که مثل همیشه تمدن ایران در این زمینه هم ناشناس و بدون معرف باقی مانده است. بعلت دور افتادگی جغرافیائی ایران و هم چنین بعلت اینکه ایران هیچوقت عملاً تحت استعمار کشورهای اروپا در نیامده توجه خارجیان زیاد متوجه این کشور نشده و بی اطلاعی عمومی در مورد فرهنگ و تمدن ایران در خارج حکم فرماست. در مورد موسیقی ایرانی تا حال هیچگونه نوشته جامع و کاملی بزبانهای خارجی منتشر نشده است. مانند بسیاری از موازید دیگر موسیقی ایرانی بغلط جزئی از موسیقی اعراب محسوب گردیده و تنها بطور غیر مستقیم از آن بحث شده است. در حالیکه نه تنها موسیقی بلکه تمدن ممالک اسلامی بطور عمومی از ایران ریشه گرفته و بامدارك مقنع میتوان دین سنگین کشورهای اسلامی را بایران ثابت نمود.

موسیقی دانان ما برای معرفی هنر خود ب مردم جهان اقداماتی اساسی نموده اند و فعالیت‌های موسسات فرهنگی و علمی ما در شناساندن تمدن ایران در مقام مقایسه با فعالیت‌های سایر کشورهای آسیائی بسیار ناچیز بوده است. در چند سال اخیر صفحاتی از موسیقی تمام ممالک عمده جهان منتشر شده است. تنها ایران باین امتیاز نائل نشده است. عجب آنکه در سال گذشته

آلبومی بنام « موسیقی عراق » در امریکا منتشر شد که تماماً از موسیقی ایلات کرد آنکشور گرفته شده است و کردها بطوریکه همه میدانیم از لحاظ زبان و نژاد و تمام حیثیات ملی کاملاً ایرانی هستند .

ایران کشوریست که از هر لحاظ دارای شخصیت ملی و فرهنگی معین و روشن است که آنرا بکلی از سایر کشورهای خاورمیانه مجزا میکند . متأسفانه این شخصیت ملی و فرهنگی در خارج از ایران بطور معمول شناخته نشده و امتیازات ما بحساب دیگران گذارده میشود . بهتر است منتظر اینکه دیگران بیایند و درباره تمدن ما مطالعه کنند و چیزی بنویسند نباشیم و خود برای سرافرازی و افتخار سزاوار میهن خود کوشش کنیم .

آقای هرمز فرحت نویسنده این مقاله از سال ۱۹۴۹ در امریکا به تحصیل موسیقی در رشته آهنگسازی مشغول بوده است . درجه لیسانس (B. A) خود را در سال ۱۹۵۲ و درجه «مستر» (M. A.) را در ۱۹۵۵ دریافت نموده و امسال دوره تحصیلی دکترای خود را در آنوموزیکولوژی تمام نموده است . آقای فرحت در بهار گذشته برنده یک بورس تحصیلی بنیان فرد (Ford Foundation) شده و برای مطالعه روی موسیقی ایرانی بمیهن خود فرستاده شده است . مقالات او یکسال پس از مراجعتش بامریکا بصورت کتابی که معرف موسیقی ایرانی خواهد بود بزبان انگلیسی منتشر و همان کتاب به عنوان تزدکترای او از طرف دانشگاه کالیفرنیا در شهر لوس آنجلس پذیرفته خواهد شد .

مجله موسیقی

رتال جامع علوم انسانی